

انگلیسی	فارسی
loan	وام
construct	ساخت و ساز
regular income	درآمد ثابت
spouse	همسر
moron	ابله
push over	توسری خور
attested	تصدیق شده
employed	شاغل
creditworthy citizen	شهروند معتبر
law	قانون
Consider	در نظر گرفتن
terms and conditions	شرایط و ضوابط
interest	بهره
installments	اقساط
Fill up	پر کردن (فرم)

متن انگلیسی

¶At the bank¶

Woman:" I would like to get a loan for constructing a house. Could you inform me about the procedure?"

Bank teller: " Well, you can have it if you are employed and earn a regular income".

Woman:"would you excuse me for a sec? I have to call my spouse".

Bank teller:" feel free".

Woman:" hey kim, i'm here... Here, here, here in the bank! Are you wasted again? ... Listen to me f**k-face, does that douche pay you a regular income? What the hell? you piece of shit. you freaking piece of shit. you are a moron , did you know that? I just wanted you to know that! Yes 'cuz only a moron works without signing a contract. You are not a man; you are such a push over. Ugh, just shut it!...he is employed and we can both cover the income part if that's ok".

The bank teller:" you have to fill in this application form and get it attested by your employer and two creditworthy citizens".

Woman pauses: err...I may need to have another phone call. would it be okay with you?

Bank teller: y-y-yeah. Go ahead.

Woman: It's me again, listen, they want two creditworthy citizens... I don't know why! That's the procedure; you get it? I didn't make the law; you moron! Find them outta my a*** you useless bastard. Oh go to hell. Consider it done. What are your terms and conditions?

Bank teller: Oh, it is very simple. We take 14% interest on the loan.

The woman :- Hmm...What about the installments?

Bank teller :- The installment amount must be paid on the first working day of each month.

Woman: that is fair enough. Can I fill this up over there? This chair is rather uncomfortable.

Bank teller: sure.

The bank teller mumbles: " That marriage won't last long".

ترجمه فارسی

زن: «میخواهم وام برای ساخت مسکن بگیرم. همیشه در مورد فرایندش بهم اطلاعات بدین؟»

متصدی بانک: «خب، میتونید اگر شاغل هستین و درآمد ثابت دارین بگیرین.»

زن: «همیشه به لحظه صبر کنین؟ باید با همسر تماس بگیرم»

متصدی بانک: «راحت باشین»

زن: «سلام کیم، من اینجا، اینجا اینجا بانک دیگه! مستی بازم؟ گوش بگیر یکبیری، اون عوضی بهت درآمد ثابت میده؟ چی چی؟ تو یه تیکه آشغالی. تو یه تبه آشغال لعنتی هستی، فقط میخواستم اینو بدونی. تو یه احمقی، اینو میدونستی؟ فقط میخواستم که اینو بدونی. تو مرد نیستی که، یه تو سری خوری. ایش، ببند بابا... ایشن شاغله و میتونیم جفتمون بخش درآمد رو پوشش بدیم.»

متصدی بانک: «باید این فرم رو پر کنین و از کارفرماون تصدیق نامه بگیرین و دو شهروند معتبر ضمانتتون کنن»

زن مکث میکند: «آ... احتمالاً باز دوباره باید تماس بگیرم. ایرادی نداره؟»

متصدی بانک: «ا...البته... بفرمایید»

زن: «بازم منم. گوش بده، دوتا شهروند معتبر میخوان. من چمی دونم چرا. فرایندش همینه. میفهمی؟ من که قانونو ننوشتم ابله! از هرگوری شده پیداشون کن حرومزاده ی بی مصرف. اه برو به جهنم... خب کارانجام شد. شرایط و ضوابطتون چیا هستن؟»

متصدی بانک: «اوه، خیلی سادس، ما 14% بهره روی وام دریافت میکنیم»

زن: «اقصاطش چطور؟»

متصدی بانک: «قسط هم میبایست اول هر برج پرداخت بشه»

زن: «منصفانست. میتونم این رو اونجا پرکنم؟ این صندلی زیاد راحت نیست.»

متصدی بانک: «البته»

متصدی بانک زیر لب میگوید: «این ازدواج عمرا دووم بیاره»